

معرفی متدولوژی تعیین کالاهای خاص بخش کشاورزی ایران

میترا رحمانی

عضو هیأت علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

بیبا رحیمی‌بدر

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، گروه اقتصاد کشاورزی، کرج، ایران

بخش کشاورزی» بوده است. زیرا بررسی‌ها نشان داد که در ایران هیچ ضابطه مشخصی برای تعیین کالاهای خاص کشاورزی وجود ندارد. برای تحقق این هدف متدولوژی‌های موجود در ارتباط با تعیین فهرست کالاهای خاص که توسط نهادهای مرتبط بین‌المللی معرفی شده‌اند، مورد شناسایی قرار گرفت تا متدولوژی مناسب برای ایران تعیین گردد. بررسی متدولوژی‌های موجود در سطح بین‌الملل آشکار کرد که برای تعیین کالاهای خاص کشاورزی سه معیار امنیت غذایی، امنیت معیشتی و توسعه روستایی می‌بایست مبنا قرار گرفته و بر اساس این سه معیار شاخص‌هایی تعیین گردند که بتوانند کالاهای خاص بخش کشاورزی را تعیین نمایند. بنابراین، این مطالعه با هدف افزایش درک موضوع محصولات خاص، به طور اخص به تعیین محصولات خاص ایران با استفاده از برخی شاخص‌های ارائه شده در سطح بین‌المللی می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که ۳۵ محصول کشاورزی در ایران برابر با ۵۸ ردیف تعرفه شش رقمی آسیب‌پذیرترین محصولات

کالاهای خاص / بخش کشاورزی / سازمان جهانی تجارت /

امنیت غذایی / امنیت معیشتی و توسعه روستایی

چکیده

دستیابی به سهم بیشتر از تجارت جهانی و حضور در بازار سایر کشورها ملازمات خاصی دارد که یکی از مهمترین آنها عضویت در موافقت‌نامه‌های تجاری در سطوح مختلف (جهانی، منطقه‌ای و دوجانبه) است. در جریان مذاکرات به منظور برقراری تسهیلات تجاری، هر کشور بنا به دلایل اقتصادی (اشتغال زایی، درآمدزایی و ...)، تجاری، سیاسی و اجتماعی به دنبال حذف یکسری از کالاها از دامنه شمول موافقت‌نامه و یا واگذاری حداقل امتیاز است. این کالاها در عرف مذاکرات تجاری تحت عنوان کالاهای حساس و خاص شناسایی می‌شوند. شناسایی و گنجاندن مفاد مربوط به کالاهای حساس و خاص نیاز به مبنای علمی و قابل دفاع در چارچوب مذاکرات تجاری دارد. هدف این مطالعه تعیین متدولوژی برای فهرست نمودن کالاهای خاص

کشاورزی از نقطه نظر امنیت غذایی، امنیت معیشتی و توسعه روستایی در جریان آزادسازی تجاری می‌باشند.

مقدمه

یکی از عوامل تاثیرگذار بر گسترش روابط تجاری متقابل بین کشورها، برقراری مذاکرات تجاری میان ملل جهان در طی سال‌های اخیر بوده است. هدف این مذاکرات در سطوح مختلف (در سطح چند جانبه جهانی (موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت و سازمان جهانی تجارت)، در سطح منطقه‌ای (موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای بین مناطق مختلف جهان) و در سطح دو کشور (موافقت‌نامه‌های تجاری دوجانبه)) کاهش موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای به منظور تسهیل بر سر راه تجارت بین کشورها بوده است.

مذاکرات تجاری در سطوح مختلف سعی داشته‌اند با حذف موانع تجاری (حذف تدریجی موانع غیرتعرفه‌ای و تبدیل آن به تعرفه‌ها، تثبیت تعرفه‌ها و تعهد به کاهش تدریجی سطح تعرفه‌ها) آزادسازی تجاری را محقق کنند. به عنوان نمونه سازمان جهانی تجارت به عنوان بزرگترین نهاد مرتبط با آزادسازی تجاری، پایه‌های رفتاری خود را بر اساس اصولی همچون اصل عدم تبعیض، اصل آزادسازی تجاری، اصل شفافیت، اصل تجارت عادلانه یا منصفانه، اصل رفتارهای ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته و اصل استثنائات در تعهدات قبول شده در سازمان جهانی تجارت بنا نهاده است. [۱]

یکی از موارد مطرح در مذاکرات تجاری محصولات کشاورزی در کلیه سطوح بحث «کالاهای خاص» [۲] است. کالاهای خاص کالاهای کشاورزی هستند که به دلایل اقتصادی و غیر اقتصادی (سیاسی و اجتماعی) برای یک کشور امکان کاهش یا حذف تعرفه در مورد آنها غیرممکن بوده و تصمیم‌گیری در خصوص کاهش یا حذف تعرفه آنها نیاز به توجه و دقت نظر ویژه دارد. عرف مذاکرات تجارت ترجیحی در سطوح مختلف چند جانبه و دوجانبه به کشورها این اجازه را می‌دهد که با توجه به ابعاد و حیطة شمول کالاهای تحت مذاکره، تعداد

مشخصی از کالاهای کشاورزی را با توجه به حساسیت‌های اقتصادی و غیر اقتصادی به عنوان کالاهای خاص از شمول کاهش و یا حذف تعرفه‌ها کنار بگذارند.

جمهوری اسلامی ایران مانند سایر کشورهای جهان به دنبال افزایش حجم تجارت و گسترش سهم خود از تجارت جهانی است. ایران علاوه بر تلاش برای عضویت در سازمان جهانی تجارت، سعی دارد تا با شرکت در موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای و دوجانبه سهم خود از تجارت جهانی را افزایش دهد. متعاقب تلاش برای عضویت در سازمان جهانی تجارت و سعی در حضور فعال در موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای و دوجانبه، پیچیدگی روند مذاکرات تجاری نیاز به آمادگی‌های متعددی از سوی جمهوری اسلامی ایران را طلب می‌کند. یکی از این موارد، ارائه متدولوژی برای تعیین فهرست کالاهای خاص است. تعیین فهرست کالاهای خاص بخش کشاورزی که می‌بایست از حیطة شمول مذاکرات تجاری حذف گردند، به دلیل حساسیت‌های اقتصادی و غیراقتصادی این کالاها بسیار مهم است. زیرا کاهش یا حذف تعرفه این قبیل کالاها می‌تواند باعث خسارت‌های جبران‌ناپذیری در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی گردد. ضمن آن که عرف حاکم بر مذاکرات تجاری این اجازه را به کشورهای در حال توسعه می‌دهد که تعدادی از کالاها را تحت عنوان کالاهای خاص از حیطة موافقت‌نامه حذف نماید. هدف این مقاله، ارائه متدولوژی تعیین فهرست کالاهای خاص است. زیرا شواهد موجود نشان می‌دهد که در حال حاضر هیچ روش هدفمندی در کشور برای تعیین کالاهای خاص به منظور حذف از حیطة شمول موافقت‌نامه‌های تجاری وجود ندارد. به همین منظور هدف این مقاله ارائه متدولوژی برای تعیین فهرست کالاهای خاص بخش کشاورزی است. در ابتدا لازم است که مفهوم کالای خاص به وضوح ارائه گردد.

۱. تعریف کالای خاص

علیرغم مشابهت عناوین خاص و حساس، کالاهایی که تحت این دو عنوان در عرف مذاکرات تجاری بین‌الملل مطرح هستند، معنای متفاوتی دارند. کشورها در مذاکرات تجاری و به هنگام

تجارت مطرح گردد و در نهایت در دور دوحه کشورهای در حال توسعه این امتیاز را کسب نمودند که تعداد مشخصی از محصولات کشاورزی را در سطح کدهای شش رقمی نظام هماهنگ به عنوان کالاهای خاص بر اساس ملاحظات مربوط به «امنیت غذایی»، «امنیت معیشتی» و «توسعه روستایی» انتخاب کنند. این کالاها مشمول رفتار منعطف‌تری از کاهش تعرفه‌ها می‌باشند و می‌توانند از ساز و کار حفاظت خاص برخوردار گردند. همانطور که عنوان شد موضوع کالاهای خاص مربوط به کالاهای بخش کشاورزی است و استفاده از این امتیاز در سازمان جهانی تجارت تنها در اختیار کشورهای در حال توسعه است.

۲. معرفی متدولوژی‌های متداول تعیین کالاهای خاص در سطح سازمان‌های بین‌المللی

در سطور بالا سعی گردید تا مفهوم کالای خاص به روشنی مشخص گردد. در این قسمت با توجه به هدف مقاله سعی خواهد شد متدولوژی‌های تعیین کالاهای خاص که نهادهای بین‌المللی مرتبط با موضوع ارائه کردند، معرفی گردد. مرکز بین‌المللی تجارت و توسعه پایدار و فائو دو نهاد بین‌المللی هستند که به ارائه متدولوژی برای تعیین کالاهای خاص پرداخته‌اند. در ادامه سعی خواهد شد این متدولوژی‌ها معرفی گردند. تا با بررسی متدولوژی‌های معرفی شده، متدولوژی مناسب ایران برای تعیین کالاهای خاص معرفی گردد.

۲-۱. روش پیشنهادی تعیین کالاهای خاص منتشر شده توسط فائو [۳]

هدف مطالعه‌ای که توسط فائو انجام شده است، تبیین مفهوم کالاهای خاص و ارائه متدولوژی برای شناسایی کالاهای خاص بوده است. به این منظور شاخص‌هایی معرفی شده‌اند که بتوانند تبیین‌کننده امنیت غذایی، امنیت معیشتی و توسعه روستایی باشند. البته در این مطالعه با صراحت به این نکته اشاره شده است که هدف شناسایی کالاهای خاص برای یک کشور معین نبوده و هر کشور می‌بایست در نهایت خود اقدام به تعیین کالاهای خاص نماید.

اعطای امتیازات مختلف از جمله کاهش تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای و افزایش دسترسی به بازار برای طرف تجاری خود ملاحظاتی را در مورد کالاهایی که آنها را جهاتی همچون قدرت رقابت (کیفیت، قیمت نسبی یا نوپا بودن صنعت)، اهمیت در اشتغال کشور، قدرت اقتصادی-سیاسی بخش تولیدکننده، حساسیت درآمدهای تعرفه‌ای برای دولت، حفظ سهم در بازار، آسیب‌پذیری اقبال تولیدکننده، مزاد بر نیاز داخلی بودن محصول تولیدی و ... بر اهمیت و حساس می‌دانند، رعایت می‌کنند. به نحوی که این کالاها از فهرست کالاهای مورد مذاکره حذف شده و هیچ امتیازی در مورد آنها به طرف تجاری داده نمی‌شود یا حداقل امتیاز ممکن در مورد آنها اعطا می‌گردد. کالاهای حساس از نظر زمانی قدیمی‌تر از کالاهای خاص وارد عرف مذاکراتی شده و ورود آن مربوط به ادوار مذاکراتی گات می‌باشد. کالاهای حساس شامل ترکیبی از کالاهای صنعتی و کشاورزی می‌باشد و همه کشورها (کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه) حق استفاده از آن را دارند. البته علیرغم توضیحات بالا باید پذیرفت که تعریف مشخص و ملاک‌های مورد توافقی برای تعیین کالاهای حساس وجود ندارد و این خود کشورها هستند که بر حسب اهمیت یک کالا آن را به عنوان حساس انتخاب می‌کنند. طی دو دهه گذشته، جهان رشد دو برابری تجارت محصولات کشاورزی نسبت به تولید محصولات کشاورزی را شاهد بوده است. در طی این دوران کشورهای توسعه یافته یارانه‌های سنگینی برای محصولات کشاورزی خود پرداخت نموده که نتیجه آن کاهش قیمت جهانی بسیاری از محصولات کشاورزی و از جمله محصولات کشاورزی صادراتی کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته بوده است. این کاهش قیمت باعث به وخامت گراییدن وضعیت درآمدی بسیاری از کشورها که درآمد صادراتی آنها به چند قلم عمده تکیه دارد، شده است. از آنجایی که این کشورها معمولاً جمعیت روستایی بالایی دارند، از دست رفتن فعالیت‌های کشاورزی، به دلایل ساختاری به معنای افزایش فقر و بیکاری است. به این دلیل که گزینه‌های اشتغال جایگزینی وجود ندارد. این نگرانی‌ها باعث شد که مسئله حمایت مجاز یا مسئله جعبه سبز و یا جعبه توسعه در سازمان جهانی

در این مطالعه تعیین کالاهای خاص بخش کشاورزی بر اساس سه معیار (امنیت غذایی، امنیت معیشتی و توسعه روستایی) امکان پذیر شده است. در زیر به تعاریفی که از این سه معیار در مقاله فائو آورده شده است، اشاره می‌گردد.

الف) امنیت غذایی: بر اساس تعریف فائو [۴] زمانی امنیت غذایی وجود دارد که همه انسان‌ها، در همه زمان‌ها برای برطرف ساختن نیازها و ترجیحات غذایی خود برای یک زندگی فعال و سالم، دسترسی فیزیکی و اقتصادی کافی، امن و مغذی به مواد غذایی داشته باشند.

ب) امنیت معیشتی: دسترسی پایدار و کافی به درآمد و سایر منابعی که خانواده‌ها را قادر می‌سازد که نیازهای ضروری خود، شامل دسترسی کافی به مواد غذایی، آب آشامیدنی، امکانات بهداشتی، فرصت‌های تحصیلی، مسکن و زمان برای مشارکت‌های اجتماعی را برطرف سازند.

ج) توسعه روستایی: توسعه روستایی فرآیندی است که بر روی رفاه جوامع روستایی اثرگذار بوده و دربرگیرنده تهیه نیازها و خدمات ابتدایی مانند دسترسی به مواد غذایی، خدمات بهداشتی، آب، زیرساخت‌ها (جاده و...) و توسعه سرمایه انسانی از طریق تحصیلات و آموزش است. این موضوع همچنین به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که باعث کاهش آسیب‌پذیری بخش کشاورزی نسبت به ناسازگاری‌های طبیعی و عوامل اجتماعی-اقتصادی و سایر خطرات شده و موجب تقویت اعتماد به نفس در این بخش می‌شوند.

در مطالعه فائو شاخص‌های تبیین‌کننده این معیارها به شرح زیر می‌باشند.

۱-۱-۲. شاخص‌های تبیین‌کننده امنیت غذایی

تعداد معدودی شاخص وجود دارند که می‌توانند بین کالاها و امنیت غذایی ارتباط برقرار نمایند، این شاخص‌ها عبارتند از: سهم کالا از تغذیه، خود اتکایی یا وابستگی به واردات کالا، ثبات در دسترسی به کالا و هزینه مصرف کالا می‌باشد. کمی شدن این شاخص‌ها توسط نسبت‌های زیر امکان‌پذیر است:

۱. کالری سرانه روزانه حاصل از یک محصول یا حاصل از کل

محصولات (سهم کالا از تغذیه).

۲. کل کالای (مثلا X) مصرف شده نسبت به کل کالای (مثلا X) تولید شده (خوداتکایی یا وابستگی به واردات کالا).

۳. کل کالای (مثلا X) وارد شده نسبت به کل کالای (X) مصرف شده (خوداتکایی یا وابستگی به واردات کالا).

۴. انحراف معیار یا ضریب استاندارد نوسان در تولید و قیمت کالا (ثبات در دسترسی به کالا).

۵. میزان انتقال قیمت کالا (قیمت بین‌المللی به قیمت داخلی) (ثبات در دسترسی به کالا).

۶. تغییرپذیری درآمد حاصل از صادرات کالا (ثبات در دسترسی به کالا).

۷. سهم درآمد کل حاصل از فعالیت‌های مربوط به کالا (ثبات در دسترسی به کالا).

۸. هزینه یک ماده غذایی خاص در سبد غذایی نسبت به کل هزینه صرف شده برای سبد غذایی (هزینه مصرف کالا).

۲-۱-۲- شاخص‌های تبیین‌کننده امنیت معیشتی

مفهوم امنیت معیشتی گسترده‌تر از امنیت غذایی است. میزان اشتغال و درآمد حاصل از محصول در خانوار از عوامل مهم در تبیین شاخص‌های امنیت معیشتی هستند. شاخص‌های سطح اشتغال در محصول یا بخش، درآمد حاصل از محصول، سهم زمین یا دارایی‌های کشاورزی به کار رفته در تولید یک محصول، وقوع نوسان یا جابجایی از طریق واردات تبیین‌کننده امنیت معیشتی هستند که در روابط زیر کمی می‌شوند.

۱. سهم اشتغال کالا از کل نیروی کار بخش کشاورزی یا از کل اشتغال روستایی (سطح اشتغال در محصول یا بخش).

۲. سهم نیروی کار به کار گرفته شده در رشته فعالیت آن کالا از کل نیروی کار (سطح اشتغال در محصول یا بخش).

۳. توزیع جنسیتی و سنی نیروی کار به کار گرفته شده در تولید محصول (سطح اشتغال در محصول یا بخش).

۴. درآمد حاصل از آن محصول نسبت به کل درآمد خانوار (درآمد حاصل از محصول).

۵. وسعت زمینی که محصول در آن کاشته می‌شود نسبت به کل

زمین‌های زیر کشت (سه‌م زمین یا دارایی‌های کشاورزی به کار رفته در تولید یک محصول).
۶. ارزش زمین برای پرورش محصول نسبت به کل ارزش زمین (سه‌م زمین یا دارایی‌های کشاورزی به کار رفته در تولید یک محصول).
۷. ارتباط بین واردات و تولیدات داخلی محصول (وقوع نوسان یا جابجایی از طریق واردات).
۸. نرخ رشد جانشین‌های واردات نسبت به نرخ رشد کالاهای رقیب داخلی (وقوع نوسان یا جابجایی از طریق واردات).

۳-۱-۲. شاخص‌های تبیین‌کننده توسعه روستایی

توسعه روستایی عامل مثبتی جهت نیل به توسعه اقتصادی می‌باشد. کالاهایی که نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه روستایی دارند، تحت عنوان کالاهای خاص نیاز به سیاستگذاری‌های مناسب دارند که جهت دستیابی به اهداف توسعه می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای بازی کنند. این شاخص‌ها عبارت از اهمیت کالا در اقتصاد کشاورزی روستایی، رشد محصول و مناطق روستایی، پتانسیل ارزش افزوده داخلی کالا، درآمد حاصل از تعرفه کالاهای وارداتی و صادراتی می‌باشد. این شاخص‌ها توسط روابط زیر کمی می‌گردد:

۱. سهم فعالیت اقتصادی کالا از کل تولید کشاورزی روستایی (اهمیت کالا در اقتصاد کشاورزی روستایی).
۲. نرخ رشد محصول نسبت به نرخ رشد منطقه روستایی (رشد محصول و مناطق روستایی).
۳. اندازه‌ای که یک کالا می‌تواند به کالاهای دیگر و یا استفاده‌های دیگر تغییر شکل یابد. (پتانسیل ارزش افزوده داخلی کالا).
۴. درآمد تعرفه‌ای حاصل از کالا (درآمد حاصل از تعرفه کالاهای وارداتی و صادراتی).

۴-۱-۲. مسائل پیرامونی در ارتباط با دستیابی به شاخص‌های معرفی شده در روش فائو

شاخص‌هایی که در بالا توسط فائو برای تعیین کالاهای خاص بر پایه معیارهای امنیت غذایی، امنیت معیشتی و

توسعه روستایی معرفی گردیدند، نیاز به داشتن مقیاس‌های قابل اندازه‌گیری به منظور محاسبه دارند. کمبودهای فرآیند محاسبه این شاخص‌ها ممکن است ناشی از مشکلات متعددی باشد که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

۱. امکان کمی شدن تمامی شاخص‌ها در ارتباط با سه معیار امنیت غذایی، امنیت معیشتی و توسعه روستایی وجود ندارد.
۲. اطلاعات لازم برای محاسبه شاخص‌ها به آسانی از طریق منابع ملی و بین‌المللی میسر نیست.
۳. ممکن است بین شاخص‌های مربوط به هر معیار و یا بین شاخص‌های معیارهای مختلف یک وابستگی و ارتباط تنگاتنگ وجود داشته باشد.
۴. در بسیاری از موارد شرایط لازم برای شناسایی کالاهای جانشین وجود ندارد و تعیین میزان ارزش افزوده یک کالا مشکل است.

با استفاده از روش معرفی شده توسط فائو، این امکان فراهم می‌گردد که محصولات خاص با توجه به شاخص‌های معرفی شده بر اساس معیارهای امنیت غذایی، امنیت معیشتی و توسعه روستایی شناسایی شوند. اما تعداد زیاد شاخص‌ها و وابستگی و ارتباط متقابل بین آنها مسئله‌ای است که کار محاسبه و انتخاب کالاهای خاص را با مشکل مواجه می‌کند. در ادامه روش معرفی شده توسط فائو تکنیک آماری تحلیل عاملی [۵] به عنوان یک روش برای ارزیابی ارتباط بین کالاها و شاخص‌ها و همچنین شاخص‌ها با یکدیگر برای درک ماهیت وابستگی بین آنها معرفی شده است.

ارزیابی سهم خاص هر شاخص از یک عامل معین نکته بسیار مهمی است زیرا ممکن است که آن عامل معین برای شاخص‌های دیگر هم کاربرد داشته باشد. نتایج چنین تحلیلی می‌تواند برای دو مورد خیلی مهم از مذاکرات جاری مربوط به کالاهای خاص کاربرد داشته باشد:

۱. آیا ابعاد کالاها یا شاخص‌ها می‌تواند کاهش یابد؟ (آیا یک کشور می‌تواند صرفاً تعداد کمی شاخص را برای معرفی کالاهای خاص مورد استفاده قرار دهد؟). این مسئله بر اساس روش تحلیل عاملی مشخص خواهد شد.

۲. آیا کالایی می‌تواند با استفاده از شاخص‌های تنها یک معیار (امنیت غذایی، امنیت معیشتی و توسعه روستایی) به عنوان کالای خاص شناخته شود؟ ارتباط بین شاخص‌ها بر اساس روش تحلیل عاملی جوابگوی این سوال خواهد بود.

تحلیل عاملی، به تکنیک آماری اطلاق می‌شود که در پی کاهش مجموعه‌ای از متغیرهای قابل مشاهده بر حسب تعدادی از عوامل نهفته است. فرضیه اساسی تحلیل عاملی این است که تعدادی متغیر (عوامل) نهفته غیر قابل مشاهده وجود دارد که جهت همبستگی بین متغیرهای قابل مشاهده، اهمیت دارند. مانند این که اگر متغیرهای نهفته، توزیع شده باشند [۶] و یا پایدار نگاه داشته شده باشند، در این صورت تمامی همبستگی‌های جزئی بین متغیرهای مشاهده شده صفر می‌شوند. هر متغیر مشاهده شده (y) می‌تواند به عنوان یک مجموعه مرکب وزن دار از متغیرهای نهفته (f) نشان داده شود:

$$Y = a_{i1}f_1 + a_{i2}f_2 + \dots + a_{ik}f_k + e_i$$

که در آن Y_i ، i امین متغیر مشاهده شده بر روی عوامل و e_i پسماند Y_i بر روی عوامل است. فرضیه بیان می‌کند که پسماندها با متغیرهای مشاهده شده همبستگی ندارند، همبستگی بین متغیرهای مشاهده شده برای تمام عوامل محاسبه شده است.

۲-۲-۲- روش پیشنهادی تعیین کالاهای خاص منتشر شده توسط مرکز بین‌المللی تجارت و توسعه پایدار [۷]

مرکز بین‌المللی تجارت و توسعه پایدار از جمله مراجع بین‌المللی است که در ارتباط با تجارت کالاهای کشاورزی به انجام مطالعات تحقیقاتی گسترده می‌پردازد. این مرکز در ارتباط با تعیین کالاهای خاص بخش کشاورزی بسیار فعال عمل نموده است و طی مطالعات متعدد به ارائه روش در خصوص تعیین کالاهای خاص پرداخته است.

در مطالعه این مرکز [۸]، سعی شده است با توجه به پیشرفت‌های دور دوحه در ارتباط با تجارت کالاهای کشاورزی و مطرح شدن بحث کالاهای خاص برای کشورهای در حال توسعه، در این دور از مذاکرات، متدولوژی برای شناسایی کالاهای خاص ارائه گردد. متدولوژی ارائه شده، مجموعه‌ای از

رهنمودها برای شناسایی محصولات کشاورزی است که بیشترین ارتباط را با چشم‌انداز «امنیت غذایی»، «امنیت معیشتی» و «توسعه روستایی» دارند. در این مطالعه ذکر گردیده است که مفاهیم امنیت غذایی، امنیت معیشتی و توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه بسیار به هم پیچیده شده‌اند و این موضوع می‌بایست در تعیین شاخص‌ها برای این مفاهیم مورد توجه قرار گیرد. در این مطالعه برای معرفی کالاهای خاص، لازم دیده شده است که گروه‌های آسیب‌پذیر شناسایی شوند. گروه‌های آسیب‌پذیر شامل کشاورزان کوچک و فقیر روستایی‌اند، در ادامه لازم است محصولاتی که معیشت گروه‌های آسیب‌پذیر به آنها وابسته است، شناسایی گردد. این نحوه تعیین کالاهای خاص، باعث تمرکز بیشتر بر فهم اقتصادی و اجتماعی تعیین کالاهای خاص متعلق به مناطق خاص که فقر در آنها متمرکز شده می‌گردد.

متدولوژی پیشنهادی توسط این مرکز نیاز به تحلیل شاخص‌های کمی و کیفی برای نشان دادن ابعاد مختلف مفاهیم پیچیده امنیت غذایی، امنیت معیشتی و توسعه روستایی دارد. بنابراین در این مطالعه سعی شده است شناسایی محصولات خاص بر پایه توسعه روستایی پایدار و کاهش فقر استوار گردد.

۲-۲-۱- شناسایی گروه‌های ذینفع

گروه‌های ذینفع که از قوانین مرتبط با کالاهای خاص نفع می‌برند، گروه‌های آسیب‌پذیر هستند. یعنی کسانی که ممکن است معیشت آنها در نتیجه آزادسازی تجارت کالاهای خاص به خطر بیفتد. این گروه شامل روستاییان فقیر (کشاورزان کوچک و زنان) می‌باشد. شناسایی گروه‌های ذینفع از طریق شاخص‌های مرتبط با سطح درآمد، توزیع جغرافیایی فقر و ظرفیت تولید امکان‌پذیر است.

این شاخص‌ها به واسطه روابط آماری زیر کمیت پذیر شده و قابل محاسبه می‌گردند که در زیر به آنها اشاره می‌شود.

۱. تعداد خانوارها یا اشخاصی که زیر خط فقر هستند (سطح درآمد).

۲. تعداد خانوارها یا اشخاصی که درآمدشان تکافوی نیازهای

- ضروری زندگی (غذا، مسکن، پوشاک، بهداشت، تحصیل و...) آنها را نمی‌دهد (سطح درآمد).
۳. اندازه‌گیری هزینه خانوار (سطح درآمد).
۴. استفاده از ابزارهای بین‌المللی اندازه‌گیری فقر مثل خط فقری که توسط بانک جهانی در حد یک دلار برای هر فرد در روز تعیین شده است (سطح درآمد).
۵. تحلیلی از توزیع جغرافیایی فقر بر اساس سازمان اجرایی یا سیاسی در هر کشور در حال توسعه (توزیع جغرافیایی فقر).
۶. تخمین بر اساس شرایط جغرافیایی مناطق مختلف (توزیع جغرافیایی فقر).
۷. تعداد هکتار لازم برای کشت محصولات کشاورزی (ظرفیت تولید).
۸. تعداد راس برای احشام (ظرفیت تولید).
۹. کیلوگرم یا تن تولید شده توسط هر هکتار یا هر راس از احشام (ظرفیت تولید).

۲-۲-۲. شناسایی محصولات مناسب با استفاده از چشم‌انداز امنیت معیشتی و توسعه روستایی

در روش پیشنهادی توسط مرکز بین‌المللی تجارت و توسعه پایدار، مفاهیم «امنیت معیشتی» و «توسعه روستایی» ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. این مفاهیم، با منابع زیربنایی، فعالیت‌های اقتصادی و شبکه اجتماعی که معیشت روستایی وابستگی زیادی به آن دارد، مرتبط می‌باشد.

در اکثر کشورهای در حال توسعه، به خصوص در مناطق روستایی که فقر بیشتر در آنجا متمرکز شده است، بقای بخش کشاورزی به عنوان ستون فقرات اقتصاد مورد توجه قرار دارد. به طوری که تولیدات بخش کشاورزی نقش برجسته‌ای در استراتژی‌های معیشتی بسیاری از روستاییان فقیر دارد و بنابراین در کشورهای در حال توسعه هر سیاستی که هدف آن افزایش سطح زندگی مردم در مناطق روستایی (توسعه روستایی، مبارزه با فقر و ...) است، ضروری است که بخش کشاورزی را مورد نظر داشته باشد.

شاخص‌هایی که در زیر معرفی می‌گردند، سعی دارند که

سهم کالاهای خاص را در توسعه اقتصادی و ایجاد اشتغال به عنوان نمایندگان مفاهیم توسعه روستایی و امنیت معیشتی نشان دهند. این شاخص‌ها عبارتند از: اهمیت نسبی اقتصادی یک کالای کشاورزی مشخص، سهم یک محصول کشاورزی مشخص از اشتغال. این شاخص‌ها توسط روابط زیر کمیت پذیر می‌شوند.

۱. سهم محصول از تولید ناخالص داخلی کشاورزی کشور (اهمیت نسبی اقتصادی یک کالای کشاورزی مشخص).
۲. سهم محصول از تولید ناخالص داخلی منطقه مشخص (اهمیت نسبی اقتصادی یک کالای کشاورزی مشخص).
۳. میزان زمین اختصاص داده شده برای تولید یک محصول خاص در سطح ملی یا منطقه‌ای (اهمیت نسبی اقتصادی یک کالای کشاورزی مشخص).
۴. تعداد رؤس دام در کشور یا منطقه (اهمیت نسبی اقتصادی یک کالای کشاورزی مشخص).
۵. سهم درآمد سرانه مشتق شده از یک بخش خاص در یک منطقه خاص یا در سطح ملی (اهمیت نسبی اقتصادی یک کالای کشاورزی مشخص).
۶. کل نیروی کار به کار گرفته شده در آن محصول نسبت به سطح ملی یا منطقه‌ای (سهم یک محصول کشاورزی مشخص از اشتغال).
۷. سهم نیروی کار به کار گرفته شده در تولید یک محصول خاص نسبت به کل جمعیت شاغل در سطح ملی یا منطقه‌ای (سهم یک محصول کشاورزی مشخص از اشتغال).
۸. نیروی کار مورد نیاز (سهم یک محصول کشاورزی مشخص از اشتغال).

۲-۲-۳. شناسایی محصولات مناسب با استفاده از چشم‌انداز امنیت غذایی

در مطالعه مرکز بین‌المللی تجارت و توسعه پایدار در ارتباط با چشم‌انداز امنیت غذایی نیز شاخص‌هایی معرفی شده است. این شاخص‌ها، اهمیت نسبی محصولات مختلف را در ارتباط با امنیت غذایی بیان می‌دارند. امنیت غذایی می‌تواند در سطوح مختلف - از

سطح ملی تا سطوح خانوار و فردی مورد توجه قرار گیرد.

در ارتباط با امنیت غذایی در این روش شاخص‌هایی برای تعیین کالاهای خاص معرفی شده‌اند که بعد مصرف مردم یک کشور را هدف قرار می‌دهند. در ارتباط با این موضوع، قوانین ملی تعدادی محصولات مهم و اصلی و یا سبزی از غذاهای اساسی که منعکس‌کننده ترجیحات و شرایط محلی هستند، را شناسایی کرده‌اند. شناسایی این محصولات، نقطه آغازی برای ارزیابی محصولات مختلف به منظور معرفی SP هستند. دیگر شاخص‌های کمی نیز مورد توجه قرار می‌گیرند که شامل سهم یک کالای معین از کل مصرف ملی یا منطقه‌ای است که منعکس‌کننده سهم آن کالا از نیاز کالریکی جمعیت (این تحلیل می‌تواند توسط سهم این کالاهای معین در تامین نیازهای پروتئینی و چربی تکمیل گردد)، سهم درآمد پرداختی برای یک کالای معین در سطوح ملی یا منطقه‌ای و غیره می‌باشند، خصوصاً برای کالاهایی که از بعد مصرف مردم برجسته هستند.

خودکفایی نشان می‌دهد که میزان تولید داخلی کدام کالا برای نیازهای مصرفی مردم کافی است و نفوذ واردات نشان می‌دهد که مصرف کدام کالاها از طریق واردات تامین می‌شود. سطح پایین خودکفایی همواره یک مشکل به شمار نمی‌رود و مشکل بودن یا نبودن آن به استراتژی امنیت غذایی کشور مورد نظر مرتبط است: برای مثال سطح پایین خودکفایی برای یک کالا ممکن است که نشان دهنده سطح پایین تولید و یا به طور کلی نشانه عدم تولید آن کالا در کشور مورد نظر باشد. در چنین مواردی حتی ممکن است حمایت مرزی [۹] تضمین شده‌ای وجود نداشته باشد و در مواردی ممکن است که حمایت مرزی بر ضد فعالیت‌های تولیدی مولد عمل کند. از سوی دیگر اگر خودکفایی دارای سطح کاهنده باشد، حمایت را تایید می‌کند. زیرا به طور بالقوه واردات تهدیدی برای تولید منطقه‌ای و امنیت غذایی محسوب می‌شود. این مسئله در سطوح فزاینده واردات در بازارهای منطقه‌ای به خوبی قابل مشاهده است.

در زمینه شناسایی محصولاتی که به صورت بالقوه می‌توانند به عنوان کالاهای خاص مد نظر قرار گیرند، شاخص‌های دیگری هم هستند که ارزش گنجانده شدن در تحلیل امنیت غذایی را

دارند. این شاخص در ارتباط با کل ظرفیت یک کشور برای تامین مالی برنامه‌های امنیت غذایی است که شامل غذاهای وارداتی نیز می‌شود. موضوع خاصی که باید مورد توجه قرار گیرد درآمد حاصل از واردات یک کالای خاص است. این موضوع برای اقتصادهای باز کوچک و کشورهای درحال توسعه‌ای که واردکننده خالص مواد غذایی هستند، مهم است. زیرا درآمد حاصل از واردات یک منبع مهم درآمد دولت است، کاهش درآمد دولت می‌تواند نتیجه کاهش در مالیات بر واردات (مثل تعرفه) باشد. کاهش این درآمد باعث می‌شود که ظرفیت دولت برای تامین مالی برنامه‌های امنیت غذایی از مرحله ذخیره‌سازی تا توزیع مواد غذایی مورد نیاز مردم کاهش یابد. با توجه به توضیحات ارائه شده می‌توان شاخص‌های زیر را در این ارتباط معرفی کرد.

۱. سهم یک محصول معین در کل مصرف ملی یا منطقه‌ای، منعکس‌کننده سهم آن کالا از نیازهای کالریکی جمعیت.
۲. سهم درآمد صرف شده برای محصول معین در سطوح ملی یا منطقه‌ای.
۳. ظرفیت کل کشور در خصوص تامین مالی برنامه‌های امنیت غذایی از جمله ظرفیت برای واردات غذا.

۲-۲-۴. اولویت‌بندی کالاهای خاص بالقوه در متدولوژی ارائه شده توسط مرکز بین‌المللی تجارت و توسعه پایدار

در این روش معیارها و شاخص‌هایی برای تعیین کالاهای خاص معرفی شدند. در این روش بر اهمیت کلیه معیارهای تعیین‌کننده کالاهای خاص تاکید شده و لازم است این شاخص‌ها برای تمام کالاها محاسبه شده تا کالاهای خاص از بین آنها انتخاب شوند. اما درجه حساسیت در میان کالاهایی که به عنوان کالای خاص شناسایی می‌شوند، می‌تواند متفاوت باشد. به عنوان مثال ممکن است کشورهای در حال توسعه به منظور حداکثر کردن منافع خود کالاهایی را که در وضعیت حیاتی قرار دارند، در بالای فهرست کالاهای خاص خود قرار دهند. به این منظور لازم است اولویت‌بندی کالاهای خاص در هر کشور و

همچنین تصمیم‌گیری در خصوص اجرای این اولویت‌بندی طی یک فرآیند داخلی در هر کشور در حال توسعه بر اساس نیازمندی‌های آن کشور انجام پذیرد.

این مطالعه پیشنهاد زیر را جهت اولویت‌بندی کالاهای خاص ارائه می‌دهد، این پیشنهاد جنبه تجویزی یا جامع و فراگیر ندارد. فقط یک روش ساده است که به شاخص‌های مختلف هر یک از معیارهای عنوان شده (امنیت غذایی، امنیت معیشتی و توسعه روستایی) وزنی اختصاص داده و محصولاتی که بیشترین وزن را

دارا باشند در ابتدای فهرست اولویت‌بندی قرار خواهد داد. پیشنهاد ارائه شده توسط مرکز بین‌المللی تجارت و توسعه پایدار که در بالا شرح آن رفت، در قالب جدول (۱) (ماتریس تعیین کالاهای خاص بالقوه) خلاصه شده است. مطابق نظر این نهاد بین‌المللی کشورها می‌توانند با امتیازدهی به هر یک از شاخص‌ها با توجه به شرایط خودشان کالاهای خاص خود را تعیین کنند.

جدول ۱- ماتریس تعیین کالاهای خاص بالقوه

محصول	معیارها										
	امنیت معیشتی/ توسعه روستایی (۰/۵۵)					امنیت غذایی (۰/۳۵)					
	سایر مسائل (۰/۱)		۱								
امتیاز کل برای محصول											
تولید داخلی به عنوان درصدی از تولید جهانی											
پایداری کشاورزی از جنبه اکولوژیکی											
اثرات محیطی											
سهام کشاورزان کوچک از کل ستانده											
آسیب پذیری از جایگزینی واردات											
پیوندهای بخشی/هماهنگی اتحادهای استراتژیکی											
پیوندهای پیشین و پسین بالقوه											
درآمد زایی											
درصد کشاورزان فعال به عنوان فروشندگان محصول برای کسب درآمد											
درصد زمین کشاورزی تحت کشت محصول											
درصد تولیدکنندگان که جزء کشاورزان کوچک هستند.											
درصد نیروی کار شاغل در فعالیت											
سهام از کل مصرف داخلی											
سهام از کل ستانده داخلی											
سهام از نیاز کالریکی											
وابستگی به واردات - درصدی که از واردات ناشی شده است.											
امنیت غذایی شخص											
امنیت غذایی خانوار											
امنیت غذایی ملی - محصول در سبد امنیت غذایی ملی وجود دارد.											
امتیاز هر شاخص											
											برنج
											ذرت
											گوشت مرغ
											محصولات لبنی
											گوشت گاو
											سیب زمینی

در ارتباط با این پیشنهاد، موقعیت و شرایط کشور تعیین کننده می باشد. اگر کشور یک جزیره کوچک با بازاری کاملاً باز برای واردات باشد، ممکن است شاخص های مرتبط با امنیت غذایی وزن بزرگتری را به خود اختصاص دهند. اما در یک اقتصاد کشاورزی بزرگ که دارای تعداد زیادی کشاورز با درآمدی در حد حداقل معیشت است، ممکن است که وزن بیشتر به شاخص های مرتبط با امنیت معیشتی اختصاص یابد. این گونه به نظر می رسد که تخصیص وزن های مختلف به شاخص های هر معیار با توجه به شرایط هر کشور بهتر از اصول قراردادی و تحمیلی است.

۳. مقایسه شاخص های به کار برده شده در روش های

معرفی شده

در روش های تعیین کالاهای خاص که توسط فائو و مرکز بین المللی تجارت و توسعه پایدار ارائه شده است، مجموعه شاخص هایی که برای تعیین کالاهای خاص به کار می روند، به دقت معرفی شده اند. مقایسه این روش ها نشان می دهد که شاخص های مشترک زیادی در بین روش های ارائه شده وجود دارد. جدول (۲) این مسئله را به وضوح نشان می دهد.

جدول ۲- مقایسه شاخص ها در روش های ارائه شده توسط فائو و مرکز بین المللی تجارت و توسعه پایدار

ICTSD	FAO	واحد سنجش	شاخص ها	معیار
*	*	- نسبت کالری سرانه روزانه حاصل از محصول به کالری سرانه روزانه حاصل از همه محصولات	سهام در تغذیه	امنیت غذایی
*	*	- سهم محصول از مصرف ملی یا منطقه ای به عنوان بخشی از مصرف کالری جامعه		
*	*	- قوانین یا مقررات ملی که محصولات عمده غذایی یا سبب غذایی مواد اساسی را مبتنی بر ترجیحات یا شرایط محلی مشخص می کند.		
*	*	- نسبت کل محصول مصرف شده به کل محصول تولید شده	خودکفایی	
*	*	- نسبت کل محصول وارد شده به کل محصول مصرف شده		
*	*	- نسبت انحراف معیار به ضریب تغییرات تولید و قیمت محصول	ثبات در دسترسی به محصول	
*	*	- درجه انتقال قیمت (بین المللی به داخلی)		
*	*	- تغییر در درآمد (صادراتی) به موجب فعالیت مربوط به محصول		
*	*	- سهم (خانوار) از کل درآمد به دست آمده از فعالیت های مربوط به محصول		
*	*	- سهم درآمد صرف شده روی محصولی مشخص در سطح ملی یا منطقه ای	هزینه مصرفی محصول	
*	*	- سهم اشتغال محصول از کل نیروی کار کشاورزی یا از کل اشتغال روستایی (در سطوح ملی یا منطقه ای)	سطوح اشتغال	امنیت معیشتی
*	*	- سهم اشتغال نیروی کار در صنعت محصولی معین از کل نیروی کار (یا کل نیروی کار کشاورزی) - توزیع جنسی/سنی نیروی کار به کار گرفته شده در تولید محصول مذکور		
*	*	- کل (تعداد مطلق) نیروی کار به کار گرفته شده در بخش خاصی در منطقه یا در سطح کشور		
*	*	- تقاضای مورد نیاز به نیروی کار در بخش خاصی از کشاورزی (مثلاً تعداد کارگرانی که در هر روز یا سال برای تولید یک تن محصول دامی لازم می باشد ضربدر کل مساحت زمینی که به محصول اختصاص داده شده است، یا کل تناژ تولید محصول دامی)		
*	*	- سهم درآمد سرانه حاصل از محصول در سطح منطقه ای یا ملی	درآمد حاصل از محصول	
*	*	- نسبت وسعت زمین کشت شده محصول به کل زمین زیر کشت (در سطوح ملی یا منطقه ای)	نسبت زمین کشاورزی به سهم دارایی های محصول	

ICTSD	FAO	واحد سنجش	شاخص‌ها	معیار
*	*	- نسبت واحدهای زراعی که محصول در آن کشت می‌شود به تعداد کل مزارع - نسبت تعداد دام منطقه به تعداد دام در کشور		
	*	- همبستگی بین واردات و تولید داخلی	نسبت افزایش‌های ناگهانی به جایگزینی از طریق واردات	
	*	- نسبت نرخ رشد جایگزین‌های وارداتی به نرخ رشد محصول رقیب واردات		
*	*	- آسیب پذیری نسبت به جایگزینی واردات		
*	*	- بخش بزرگی از تولیدکنندگان محصول، در سطح منطقه یا کشور، کم درآمد و از لحاظ منابع ضعیف یا کشاورزان معیشتی هستند (شامل جوامع محروم، آسیب پذیر و زنان) یا بخش قابل ملاحظه‌ای از تولید داخلی محصول در مناطق محروم تولید می‌شود (شامل مناطق مستعد خشکسالی و مناطق ناهموار یا کوهستانی)	اهمیت حمایت از معیشت فقرا و گروه‌های آسیب‌پذیر	
*	*	- سهم فعالیت اقتصادی محصول در کل تولید کشاورزی روستایی (در سطح ملی و منطقه‌ای) - بخش بزرگی از کل تولید داخلی در سطح منطقه‌ای یا ملی از مزارع کوچک است (کمتر از ۱۰ هکتار) یا از مزارعی که بزرگتر از متوسط اندازه مزرعه در کشور نیست، یا بخش بزرگی از مزارع تولیدکننده محصولات کوچک هستند (کمتر از ۱۰ هکتار) یا از متوسط اندازه مزرعه در کشور مورد نظر کوچک‌تر هستند.	اهمیت در اقتصاد کشاورزی روستا	توسعه روستایی
	*	- نسبت نرخ‌های رشد محصول به نرخ‌های رشد منطقه روستایی	رشد محصول و رشد منطقه روستایی	
*	*	- ظرفیت بالقوه ایجاد ارزش افزوده و ارتباطات حاصل از محصول (به اندازه‌ای که محصول در محل فرآوری می‌شود یا می‌تواند بشود، سهم داده‌های واسطه‌ای کشاورزی داخلی که در بخش‌های غیر کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرند، ارزش کالاها یا خدماتی که به عنوان داده مورد استفاده قرار می‌گیرند)	ارزش افزوده بالقوه محصول در داخل	
*	*	- درآمد تعرفه‌ای که از طریق محصول حاصل می‌شود	درآمد تعرفه‌ای	
*	*	- حدی که محصولات وارداتی جایگزین می‌تواند جای تولید محلی را بگیرد.	جایگزین‌ها	ایجاد تجاری
*	*	- حدی که محصولات داخلی باید با محصولات کشورهای صادرکننده که به مقدار زیاد از طریق حمایت داخلی یا بارانه‌های صادراتی از آنها حمایت کرده‌اند، رقابت کنند.	رقابت غیر منصفانه	
*	*	- ارزیابی سطح تعرفه‌ها و اقدامات دیگر که هم اکنون برای هر محصول خاص موجود است و نحوه‌ای که این موارد ممکن است در مذاکرات و تعهدات بین‌المللی تأثیر پذیر باشند.	سطح فعلی حمایت	
*	*	- ارزیابی حدی که تولید محلی می‌تواند در مقابل واردات کم هزینه (ارزان) مقاومت کند.	آسیب پذیری نسبت به واردات جایگزین	
۲۲	۱۹			جمع

Source: ICTSD& FAO, Indicators for the Selection of Agricultural Special Products: Some Empirical Evidence, 2007.

چنین روش جامع و مانعی را بر نمی‌تابد.

وجود اختلافات در ساختار اقتصادی کشورها، تفاوت اهمیت بخش کشاورزی در کشورهای مختلف، شرایط بوم محیطی متفاوت، تفاوت کشورها به لحاظ جمعیت، اختلاف در میزان جمعیت شاغل در بخش کشاورزی در کشورهای مختلف، وجود مشکلات آماری و ... مانع از ارائه یک روش جامع و مانع توسط نهادهای بین‌المللی برای تعیین کالاهای خاص شده است.

۴. معرفی متدولوژی تعیین فهرست کالاهای خاص بخش کشاورزی برای جمهوری اسلامی ایران

تا این مرحله سعی شد تا متدولوژی‌های ارائه شده توسط نهادهای بین‌المللی ذیربط برای تعیین کالاهای خاص مورد شناسایی قرار گیرد. این شناسایی نشان داد که هیچ از این متدولوژی‌ها روشی جامع و مانع برای تعیین کالاهای خاص ارائه نکرده‌اند. زیرا ماهیت تعیین کالاهای خاص در کشورهای مختلف

اطلاعات مورد نیاز از سایت سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد، وزارت جهاد کشاورزی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی و مرکز آمار ایران جمع آوری گردیده است.

جدول ۳- شاخص‌های مورد استفاده برای تعیین

محصولات خاص ایران به تفکیک هر معیار

شاخص	معیار
۱. اهمیت محصول در تغذیه جامعه ۲. شاخص خودکفایی ۳. سهم واردات از مصرف داخلی ۴. ضریب تغییرات تولید ۵. ضریب تغییرات قیمت	معیار امنیت غذایی
۱. اهمیت محصول در اقتصاد ملی ۲. اهمیت محصول در اشتغال ۳. اهمیت محصول در اختصاص زمین کشاورزی ۴. جایگزینی واردات	معیار امنیت معیشتی
۵. اهمیت محصول در اقتصاد کشاورزی روستا	معیار توسعه روستایی

هر یک از شاخص‌های مذکور برای کلیه محصولات کشاورزی اعم از زراعی، باغی، دامی و فراوری شده محاسبه شده‌اند که طبق طبقه‌بندی سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد شامل ۱۳۳ قلم کالای تولیدی و ۳۱۷ قلم کالای وارداتی برای کشور ایران می‌شوند. این شاخص‌ها برای دوره ۱۳۸۶-۱۳۷۴ محاسبه گردیده تا از تاثیر تغییرات ناگهانی یا ساختاری در یک سال بخصوص و ارباب نتایج جلوگیری به عمل آید. بر این اساس ابتدا اقدام به شناسایی محصولاتی که حداقل در سه شاخص حائز رتبه قابل قبول هستند، نموده و سپس برای هر محصول معادل تعرفه‌ای، برابر با نظام کدگذاری هماهنگ (HS)، مشخص می‌شود.

۴-۲. ارائه ماتریس به منظور رتبه‌بندی و اولویت‌گذاری

کالاهای خاص جمهوری اسلامی ایران

با توجه به اهمیت سه معیار (امنیت غذایی، امنیت معیشتی و توسعه روستایی) ذکر شده، به نظر می‌رسد ارائه یک ماتریس که متشکل از شاخص‌هایی از این سه معیار باشد برای تعیین کالاهای خاص جمهوری اسلامی ایران مفید خواهد بود.

لذا این نهادها سعی کرده‌اند مجموعه‌ای از شاخص‌ها را برای تعیین کالاهای خاص ارائه دهند، تا با توجه به ویژگی‌های هر کشور و با توجه به وجود مشکل فقدان آمار و اطلاعات مربوطه در اکثر کشورهای در حال توسعه تعدادی از این شاخص‌ها مورد استفاده قرار گرفته و کالاهای خاص تعیین گردند.

البته لازم است این نکته مورد توجه قرار گیرد که تعیین کالاهای خاص می‌تواند با توجه به نوع مذاکرات تجاری متفاوت باشد. در چارچوب مذاکرات پس از الحاق سازمان جهانی تجارت برای تعیین کالاهای خاص، تبعیت از قوانین و مقررات این سازمان از لحاظ تعداد کالاهای خاص و خطوط تعرفه‌ای تحت شمول نسبت به کل خطوط تعرفه بخش کشاورزی ضروری است. در حالی که در مذاکرات تجاری مربوط به برقراری موافقت‌نامه تجارت ترجیحی تعیین کالاهای خاص از این جهت اهمیت می‌یابد که این کالاها در فهرست پیشنهادی کشور مقابل به منظور دریافت تعرفه ترجیحی از ایران وجود نداشته باشند.

این در حالی است که در ارتباط با موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد دوجانبه یا چند جانبه فهرست منفی وجود دارد که به جز این فهرست سایر کالاها مشمول کاهش یا حذف تعرفه‌ها قرار می‌گیرند. تعیین کالاهای خاص بخش کشاورزی در ارتباط با این نوع موافقت‌نامه‌ها به معنی تعیین بخشی از این فهرست منفی محسوب می‌شود.

۴-۱. معرفی معیارهای موثر در تعیین کالاهای خاص

برای جمهوری اسلامی ایران

در این مطالعه جهت شناسایی و تعیین محصولات خاص کشاورزی ایران، همانطور که در جدول (۳) قابل مشاهده است، از شاخص‌های معمول برای تعیین این محصولات استفاده شده است. مطابق این جدول، پنج شاخص برای معیار امنیت غذایی و چهار شاخص برای معیار امنیت معیشتی در نظر گرفته شده است. همچنین در ارتباط با معیار توسعه روستایی شاخص اهمیت محصول در اقتصاد کشاورزی روستا مد نظر می‌باشند. لازم به ذکر است که گزینش این شاخص‌ها بر اساس میزان دسترسی به داده‌ها و اطلاعات آماری انجام گرفته است. کلیه این آمار و

گوشت گاو، روغن سویا، شیر، انگور، پسته، هندوانه و ... نیز با احراز چهار شاخص در مقام بعدی اهمیت جای می‌گیرند.

البته باید در نظر داشت که شاخص‌های به‌کار برده شده بیشتر جنبه راهنما یا محدودکننده داشته و از این رو نظرات کارشناسان می‌تواند در نتیجه‌گیری‌ها موثر واقع شود. به عنوان مثال محصول زعفران به دلیل کم وزنی در محاسبات مربوط به شاخص‌ها فقط موفق به کسب رتبه قابل قبول از یک شاخص (سهم در اشتغال) شده در حالیکه این محصول در زمره محصولات حائز اهمیت صادراتی ایران قرار داشته که سالانه موجب ارزآوری قابل توجهی می‌گردد. لذا پیشنهاد می‌شود که این محصول نیز به فهرست محصولات خاص کشور افزوده گردد.

مطابق محاسبات انجام شده در ارتباط با هر یک از شاخص‌های مورد نظر، ۳۵ محصول هستند که حداقل در سه شاخص، از کل ده شاخص در نظر گرفته شده به تفکیک سه معیار امنیت غذایی، تامین معیشت و توسعه روستایی حائز اهمیت هستند. جدول (۴) فهرست این محصولات را به تفکیک شاخص‌های احراز شده برای هر محصول نشان می‌دهد. از این تعداد، محصولات گندم و ذرت با احراز هشت شاخص بیشترین تعداد شاخص‌های مورد نظر را به خود اختصاص داده‌اند. پس از آنها برنج و سیب زمینی با اختصاص هفت شاخص دومین مقام را در احراز ده شاخص مورد بررسی دارا می‌باشند. جو، پیاز و گوجه فرنگی در شش شاخص از شاخص‌های مورد نظر حائز رتبه می‌باشند. چغندر قند، خرما، سیب، پرتقال، لوبیا و سویا از جمله محصولاتی هستند که در پنج شاخص حائز اهمیت بوده و سایر محصولات نظیر

جدول ۴- ماتریس محصولات خاص ایران

نام محصول	امنیت غذایی			امنیت معیشتی			توسعه روستایی		
	اهمیت در تغذیه	خودکفایی	درصد تامین مصرف توسط واردات	ضریب تغییرات تولید	ضریب تغییرات قیمت	اهمیت در اشتغال		اهمیت در اختصاص زمین‌های کشاورزی	جایگزینی واردات
گندم	*	*	*	*	*	*	*	*	*
ذرت	*	*	*	*	*	*	*	*	*
برنج	*	*	*	*	*	*	*	*	*
سیب زمینی	*	*	*	*	*	*	*	*	*
جو	*	*	*	*	*	*	*	*	*
پیاز	*	*	*	*	*	*	*	*	*
گوجه فرنگی	*	*	*	*	*	*	*	*	*
چغندر قند	*	*	*	*	*	*	*	*	*
خرما	*	*	*	*	*	*	*	*	*
سیب	*	*	*	*	*	*	*	*	*
پرتقال	*	*	*	*	*	*	*	*	*
نخود	*	*	*	*	*	*	*	*	*
لوبیا	*	*	*	*	*	*	*	*	*
سویا	*	*	*	*	*	*	*	*	*
پسته	*	*	*	*	*	*	*	*	*
انگور	*	*	*	*	*	*	*	*	*
نارنگی	*	*	*	*	*	*	*	*	*

نام محصول	امنیت غذایی				امنیت معیشتی				توسعه روستایی	
	اهمیت در تغذیه	خودکفایی	درصد تامین مصرف توسط واردات	ضریب تغییرات تولید	ضریب تغییرات قیمت	اهمیت در اقتصاد ملی	اهمیت در اشتغال	اهمیت در اختصاص زمین‌های کشاورزی		جایگزینی واردات
گوشت گاو	*	*	*			*				
شیر	*		*	*						
انار						*	*	*		*
هندوانه				*		*		*		*
نبشکر				*	*	*		*		
گردو				*	*	*	*	*		
روغن سویا	*	*	*	*						
کره	*	*	*	*						
موز	*	*	*	*						
گوشت مرغ	*			*	*	*		*		
تخم مرغ	*			*	*	*		*		
قند و شکر	*	*	*	*						
دانه پنبه				*	*	*	*	*		
آفتابگردان				*	*	*	*	*		
روغن آفتابگردان	*	*	*	*						
روغن پنبه دانه	*	*	*	*						
چای				*	*	*	*	*	*	*
لیمو ترش	*			*	*	*	*	*	*	*

ماخذ: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

بررسی وضعیت اقتصادی هر یک از محصولات خاص کشاورزی کشور حاکی از این است که اغلب سیاست‌های حمایتی دولت که بیشتر به شکل انواع دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم در قیمت این محصولات می‌باشد، از کارایی و انسجام لازم برخوردار نبوده و در واقع بیشتر به نوعی مالیات ضمنی در بخش کشاورزی تبدیل شده است. در این راستا نتایج بسیاری از مطالعات انجام شده در خصوص سیاست‌های کشاورزی در کشور، نیز حاکی از این است که اکثر این سیاست‌ها جنبه حمایتی مثبت نداشته و یا جنبه حمایتی آن بسیار ضعیف بوده است. به عنوان نمونه نتایج پژوهشی نوری در سال ۱۳۸۷ نشان می‌دهد که سیاست قیمت‌گذاری محصولات استراتژیک

کشاورزی در ایران به صورت کارا عمل نکرده است به گونه‌ای که رابطه مبادله محصولات استراتژیک در مقایسه با سایر محصولات صنعتی به ضرر محصولات استراتژیک کشاورزی بوده است. در پژوهشی دیگر حمایت قیمتی از محصولات کشاورزی در نرخ ارز آزاد مورد محاسبه قرار گرفت. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که محصولات مورد بررسی که شامل گندم، برنج، جو ذرت، پنبه، نخود، چغندر قند، سیب‌زمینی و پیاز می‌شد، با نرخ ارز آزاد از حمایت منفی برخوردار بوده‌اند. به بیان دیگر دولت با اتخاذ سیاست قیمت تضمینی نه تنها حمایتی از تولیدکنندگان داخلی انجام نداده بلکه این سیاست منجر به اعمال مالیات پنهان و یا پرداخت یارانه به تولیدکنندگان خارجی شده است [۱۰].

واقعیت این است که دولت ایران تا قبل از سال ۱۳۴۰ نقشی

در قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی به عهده نداشت و تنها در مواقع بسیار ویژه همچون سیل، قحطی و جنگ دخالت دولت در بازار تا حدودی مشهود بود. پس از آن به ویژه از آغاز دهه ۱۳۵۰ دولت با استفاده از اهرم واردات و یا دخالت مستقیم در قیمت محصولات کشاورزی سعی در پایین نگه داشتن قیمت‌ها در جهت حمایت از مصرف‌کنندگان برآمد. به این ترتیب دولت از طریق دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم نوعی مالیات ضمنی بر بخش کشاورزی تحمیل نمود و موجب انتقال درآمد از روستا به شهر گردید. به بیان دیگر اکثر سیاست‌های دولت در بخش کشاورزی با هدف کاهش نابرابری درآمد طراحی و به اجرا گذاشته شده است. سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد در این مورد پیشنهاد می‌کند که بهبود در توزیع درآمد را می‌توان بوسیله ابزارهای سیاستی دیگری دنبال نمود و استفاده صرف از سیاست قیمتی که تنها به طور مستقیم بر عوامل نابرابری اثر می‌گذارد، جنبه حمایتی موثر را در پی نخواهد داشت. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که کلیه سیاست‌های حمایتی به خصوص ابزارهای قیمتی نمی‌توانند منجر به کمک به افزایش تولید و رفاه بالاتر کشاورزان شوند.

در ادامه بر اساس کلیه مطالب گفته شده و نتیجه‌گیری‌های انجام شده پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

۱. ملاک مورد توافقی برای تعیین کالاهای حساس و کالاهای خاص وجود ندارد و این خود کشورها هستند که با توجه به اهمیت یک کالا آن را به عنوان کالای حساس یا خاص معرفی می‌کنند.

۲. محصولات تعیین شده به عنوان محصولات خاص در نظر گرفته شود و در جریان مذاکرات الحاق به سازمان جهانی تجارت معرفی گردند.

۳. این محصولات در لیست منفی کالاهای مشمول کاهش تعرفه هنگام برقراری انواع موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد و ترجیحی در نظر گرفته شوند.

۴. حمایت از بخش کشاورزی در دنیای امروز محدود به یک یا دو سیاست حمایتی نیست بلکه ابزارهای گوناگونی برای

حمایت و حفاظت از بخش کشاورزی وجود دارند که در سایر کشورها اعمال می‌گردند. اما در بخش کشاورزی ایران از این ابزارها کمتر استفاده می‌شود. در این راستا پیشنهاد می‌گردد که در قالب یک طرح پژوهشی کلیه سیاست‌های حمایتی کشاورزی به خصوص سیاست‌هایی که با مقررات سازمان جهانی تجارت سازگاری دارند، در مورد محصولات خاص ایران شناسایی و ارزیابی شوند تا از این طریق هزینه‌ای که در حال حاضر صرف حمایت ناکارا از این محصولات می‌گردد، به صورت موثر و در جهت بهبود وضعیت اقتصادی امنیت غذایی، تامین معیشت کشاورزان و توسعه اقتصادی و کاهش فقر نیز محقق گردد.

۵. پیشنهاد می‌شود، سه تا پنج سال یکبار مجدداً اقدام به تعیین محصولات خاص ایران به منظور احتساب تغییرات ایجاد شده در روند تولید و تجارت محصولات و یا در صورت بروز تغییرات احتمالی در روش‌های تعیین آن طی فرآیند مذاکرات آتی در سازمان جهانی تجارت گردد.

پی‌نوشت

۱. سایت اینترنتی دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران (به نشانی WWW.IRTR.GOV.IR، صفحه تهیه شده برای معرفی سازمان جهانی تجارت)، ۱۳۸۷.

2. Special Products.
3. Koroma and Khaira, 2005-2006.
4. Ibid.
5. Statistical Technique of Factor Analysis.
6. Distributed Out.
7. International Centre for Trade and Sustainable Development (ICTSD).
8. Bernal, 2005.
9. Border Protection.

۱۰. رفاهیت و همکاران ۱۳۷۹

- of Developing Countries. In *FAO Papers on Selected Issues Relating to the WTO Negotiations on Agriculture*. FAO, Rome.
- FAO. "WTO Agreement on Agriculture. The Implementation Experience: Developing Country Studies", Rome, 2003. Available at www.fao.org/trade.
- FAO "A Special Safeguard Mechanism for Developing Countries", FAO Trade Policy Technical Notes on Issues Related to the WTO Negotiations on Agriculture, No. 9. Rome, Italy, 2005.
- Food and Agricultural Organization of the United Nations (FAO). *FAOSTAT*. 2009, Available at: <http://faostat.fao.org/>.
- G-33. *G-33 Statement on Special Safeguard Mechanisms (SSM)*. WTO Agricultural Negotiating Session, 13 December 2004. Available at the Third World Network (TWN) website;
- Grant, J. and Meilke, K., Triggers, Remedies and Tariff Cuts: Assessing the Impact of a Special Safeguard Mechanism for Developing Countries, CATPRN Working Paper 2008-09: <http://www.catrade.org>
- Hart, M., and W. Dymond. Special and Differential Treatment and the Doha "Development" Round. *Journal of World Trade* 37(2): 395-415, 2003.
- Hoekman, B., C. Michalopoulos, L. A. Winders..Special and Differential Treatment of Developing Countries in the WTO: Moving Forward After Cancún. *The World Economy* 27(4): pp 481-506, 2004.
- Hoekman. B., C. Michalopoulos, L. A. Winders, M. Pangetsu, K. Saggi, and J. Tybout. Special and Differential Treatment for Developing Countries: Objectives, Instruments, and Options for the WTO. Geneva: World Trade Organization (mimeo), 2003.
- Hoda, Anwarul "Special Products: Options for Negotiating Modalities". Issue Paper No. 3, ICTSD, Geneva, Switzerland, 2003.
- Hossain, F., Hassan, Z. and Jensen, H., Special Safeguard Mechanisms for the Agricultural Sector: The GATT Negotiations, GATT Research Paper 93-GATT 3, Center for
- رفاهیت، و همکاران، بررسی روند حمایت از بخش کشاورزی و ارزیابی اثرات موافقت‌نامه کشاورزی، گزارش نهایی طرح تحقیقاتی، موسسه پژوهش‌های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۹.
- سایت اینترنتی دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، به آدرس WWW.IRTR.GOV.IR صفحه معرفی سازمان جهانی تجارت، ۱۳۸۷.
- فاضل، ماندانا، «مروری بر موضوع کالاهای حساس و خاص در مذاکرات تجاری بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش‌های تجارت جهانی، شماره ۶ و ۷، صص ۶۶-۶۴، ۱۳۸۶.
- نوری، ک.، «تحلیلی بر وضعیت مزیت نسبی و حمایت از سویای تابستانه در ایران»، *اقتصاد و کشاورزی*، جلد دوم، شماره (۳): صص ۸۷-۶۹، ۱۳۸۷.
- واعظی، ل. و یزدانی، س.، «بررسی سیاست‌های حمایتی دولت از تولید و مصرف گندم در ایران»، *مجله اقتصاد و کشاورزی*، جلد دوم، شماره (۲): صص ۶۷-۵۱، ۱۳۸۷.
- Anderson, Kym, and Will Martin, Eds., "Agricultural Trade Reform and the Doha Development Agenda", *New York: Palgrave Macmillan and the World Bank*, 2006; Available at [<http://www.worldbank.org/trade/wto>].
- Babbili, M., "The WTO Negotiations: Will Developing Countries Benefit From a New Agreement?", Policy Brief, No.2, *National Agricultural Policy Center (NAPC)*, 2005.
- Bernal, Luisa "Methodology for the Identification of Special Products (SP) and Products for Eligibility Under Special Safeguard Mechanism (SSM) by Developing Countries". Issue Paper No. 4, ICTSD, Geneva, Switzerland, 2005.
- FAO. Synthesis of the Country Case Studies. In *Agriculture, Trade and Food Security: Issues and Options in the WTO Negotiations from the Perspective of Developing Countries*, Volume II, Country Case Studies. FAO, Rome. Available on-line at www.fao.org/trade.
- FAO. 2002. A Special Agricultural Safeguard (SAS): Buttressing the Market Access Reforms

- Sijm, J. *Food Security and Policy Interventions in Sub-Saharan Africa: Lessons from the Past Two Decades*. Amsterdam: Thesis Publishers, 1997.
- Tongeren, F., Special Safeguard for Agricultural Products: Concerns and Options for Developing Countries, Agricultural Economics Research Institute (LEI), <http://ageconsearch.umn.edu/>, 2004.
- Winters, L. A. Trade, trade policy and poverty: What are the links? Discussion Paper 2382. London: Centre for Economic Policy Research, 2000.
- WTO. Doha Work Programme: Decision Adopted by the General Council on 1 August 2004, Document Number WT/L/579, 2 August 2004, Geneva, 2004.
- WTO, Special Agricultural Safeguard, Background Paper by the Secretariat, Committee on Agriculture Special Session, 19 February. G/AG/NG/S/9/Rev.1, 2005.
- WTO Doha Round Discussion Paper, Special Products Exemption Sharply Reduces Market Access Gains, 2008.
- WTO Ministerial Conference in Cancún, Mexico, Caritas Internationalis and CIDSE. Available at www.cafod.org.uk/archive/policy/.
- Agricultural and Rural Development, Iowa State University, 1993.
- ICTSD “Special Products and the Special Safeguard Mechanism: An Introduction to the Debate and Key Issues in the Context of WTO Agricultural Negotiations”. ICTSD Background Paper, ICTSD, Geneva, Switzerland, 2004.
- International Center for Trade and Sustainable Development (ICTSD), Special Products and the Special Safeguard Mechanism – Strategic Options for Developing Countries, Paper No. 6, 2005.
- Jales, Mario “Tariff Reduction, Special Products and Special Safeguards: An Analysis of the Agricultural Tariff Structures of G-33 Countries”. Issue Paper No. 2, ICTSD, Geneva, Switzerland, 2005.
- Schiff, M. and Valdes, A., A Synthesis of the Economics in Developing Countries, Political Economy of Agricultural Pricing Policy, Vol. 4, Baltimore and London: Johns Hopkins University Press. 1992.
- Sen, A. 1981. *Poverty and Famines*. New York: Oxford University Press.
- Sen, A. ‘The Causes of Famine: A Reply’, *Food Policy*, 11, 1986.

